

آداب ازدواج در شهرستان سیریک

دکتر محمدرضا نجاریان، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

(Reza_najarian@yahoo.com)

بتول ترکمانی کوهستکی، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

batooltorkamani@yahoo.com

چکیده

شهرستان سیریک در جنوب شرق هرمزگان، واقع در مجاورت کرانه‌های دریای عمان است که از لحاظ تاریخی و فرهنگی اجتماعی دارای ادب و فرهنگ متفاوتی است. اساس ادبیات عامیانه سیریک، فرهنگ و ارزش‌های سنتی این منطقه است که می‌توان گفت معرفی‌کننده هویت ملی و قومی این مرز و بوم است. ازدواج در این منطقه از آیین‌های سنتی پایدار و ماندگاری است که مانند دیگر نواحی استان هرمزگان، براساس معتقدات عامیانه مردم به اشکال گوناگون برگزار می‌گردد و از درجه اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه برپایی مراسم ازدواج در میان مردم سیریک و مناطق اطراف آن نیز دچار تغییرات اندکی شده است اما بسیاری از آداب به جای مانده از گذشته نیز، امروزه حفظ گردیده است. در پژوهش حاضر، سعی بر آن شده که بر اساس شیوه توصیف و تحلیل به روش کتابخانه‌ای و نیز مطالعات میدانی، مراسم آیینی ازدواج در میان مردمان شهرستان سیریک که مقدمات آن، شامل: خواستگاری، نامزدی، عقد و همچنین جشن حنابندان و تشریفات مربوط به روز عروسی با تکیه بر تحولات آن از گذشته تاکنون، به گونه‌ای برجسته و با توجه به جزئیات، بررسی گردد.

واژگان کلیدی: شهرستان سیریک، ادب عامه، سنت و فرهنگ، ازدواج

۱. مقدمه

در زبان فارسی از فولکلور به ادبیات عامه یا ادبیات توده یا فرهنگ عوام تعبیر شده است. فرهنگ عامه «مجموعه‌ای است از ترانه‌ها و قصه‌های عامیانه، نمایشنامه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، سحر و جادو و طب عامیانه که در میان مردم ابتدایی و بی‌سواد رواج دارد. بنابراین بیشتر به روایت‌های شفاهی تعلق دارد و در جوامع مختلف، شیوه تفکر و ارزش‌های جوامع را به طور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۳). فرهنگ عامه دارای دو حوزه مهم ادبی است. یکی ادب رسمی و دیگری ادب عامیانه که در واقع فرهنگ سنتی است و میراث معنوی یک جامعه را می‌سازد. «ادبیات فولکلور از گذشته تاکنون به طور مستمر و عجیب با تاریخ بشر همگام بوده است» (سپیک، ۱۳۹۳: ۱۳).

هر فردی با تاریخ گذشتگان خود آشنایی بهتر و دقیق‌تری داشته باشد هویت خود را شناخته است. ادب عامیانه نیز «بخش مهمی از میراث فرهنگی ملت‌ها و جوامع مختلف در طول تاریخ است که بیان‌کننده ارزش‌های فرهنگی و سنتی اجتماعی است و نه تنها ویژگی‌های ادبیات مکتوب و رسمی را دارد بلکه مردمی بودن و اصالت و قدمت را بیشتر دارا است» (انزابی نژاد، ۱۳۵۴: ۳۷۰).

از جمله ویژگی‌هایی که شهرستان سیریک در ادب فارسی دارد فرهنگ عامیانه آن بخصوص احکام مربوط به ازدواج در این منطقه است که قدمت آن به قرن‌ها قبل باز می‌گردد. برپایی این مراسم در میان تمامی اقوام، عناصر مشترکی دارد و آیینی است که در بین همه ادیان رایج است «از آنجایی که ازدواج در همه ادیان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، احکام مربوط به آن نیز در شمار اولین و مهمترین احکام شرعی قرار می‌گیرد، بر این اساس انسان به محرم و غیر محرم، و نیز خویشاوند و غیر خویشاوند طبقه‌بندی می‌شود و محدوده و چگونگی روابط

ایشان تعریف می‌گردد» (لطیفی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

از ازدواج تعاریف گوناگونی بیان شده است تعریفی که از ازدواج در دنیای امروز می‌توان ارائه کرد این است که «ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل جهت زندگی خانوادگی است که آدمی در سایه آن در خط سیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار می‌گیرد» (قائمی، ۱۳۶۵: ۱۵۸). از دیگر تعارف ازدواج از نظرگاه دین و اسلام می‌توان به این نظر اشاره داشت که «ازدواج از نظر اسلام پیمانی مقدس است؛ پیمانی که برقراری آن بر اساس مقررات، آداب و رسوم، تشریفات و سنت و قوانین خاصی است» (همان: ۱۹).

امروزه با توجه به تحول در زمینه‌های مختلف زندگی، آداب و احکام ازدواج نیز دچار تغییراتی گردیده است به گونه‌ای که می‌توان اذعان داشت «زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، شرایط وقوع ازدواج را تحت روابط دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد» (التجائی و عزیز زاده، ۱۳۹۵: ۳). تغییر و تحول در حوزه ازدواج همانند بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی اجتماعی، یک واقعیت انکارناپذیر زندگی در دنیای مدرن محسوب می‌گردد و عواملی چون توسعه اقتصادی- اجتماعی را می‌توان از دلایل اصلی این تغییر برشمرد. تغییرات سنت و فرهنگ در شهرستان سیریک در مسیر تنوع‌زایی حرکت کرده است به گونه‌ای که این تحولات به شکل محسوس در احکام ازدواج این شهرستان نیز قابل مشاهده است.

امروزه در اکثر نقاط کشور از لحاظ ترکیب جمعیتی، اقوام مختلف با فرهنگ عامیانه متفاوت زندگی می‌کنند. «تنوع قومی و فرهنگی آن‌چنان است که معمولاً در یک استان، قومیت‌های مختلفی در کنار هم روزگار می‌گذرانند و با پایبندی به آداب و رسوم دیرین خود، بر گوناگونی فرهنگ ایران زمین می‌افزایند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۱۱۰). در شهرستان سیریک نیز انواع قومیت‌ها از جمله قومیت بلوچ به دلیل مجاورت با جنوب مکران و سیستان و بلوچستان قابل مشاهده است. به طوری که بخش زیادی از شهرستان سیریک را قومیت‌های بلوچ شکل می‌دهند و برخی از آداب و سنن مربوط به ازدواج در این منطقه با اقوام بلوچ مشترک است. بر این اساس می‌توان گفت آمیختگی قومیت‌ها در این منطقه یک فرهنگ اصیل را به وجود آورده است. همچنین می‌توان اضافه کرد که در زندگی سنتی و طایف ای گذشته «بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مردم، ریشه در تاریخ و تمدن ایران باستان دارد. با ورود اسلام پاره‌ای از این آداب و رسوم از میان رفت و پاره‌ای دیگر، از آن رو که مابینتی با مفاهیم و ارزش‌های اسلامی نداشت باقی ماند» (صبری، ۱۳۸۳: ۵۶).

۱. پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات و فرهنگ عامیانه شهرستان سیریک و شهرهای اطراف آن تحقیقات زیر یافت شد:

عبدالرحمن ابراهیمی در کتاب «شهرستان سیریک از منظر تاریخ، فرهنگ، جغرافیا» (۱۳۹۰) به طور کلی در ابتدا به فرهنگ و آداب و رسوم و در بخشی مجزا به انواع لالایی‌های سیریک با مضامین مختلف آن پرداخته است. علی آباد در کتاب «شهریچی» (۱۳۹۰) که فرهنگ لغت گویش مردم شهرستان سیریک است در خلال شرح لغات و اصطلاحات گویش شهریچی، بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در این منطقه را آورده است.

حسن ملاحی در پایان نامه خود با عنوان «تحلیل آداب و رسوم شهرستان سیریک» (۱۳۹۰) آداب و رسوم محلی شهرستان، بازی‌ها و سرگرمی‌های محلی، چیستان‌ها و بسیاری از ضرب‌المثل‌های بومی رایج در سیریک را تنها جمع-آوری نموده است. علی ماهیگیر در کتاب «شهرستان سیریک از دیروز تا امروز» (۱۳۹۴) در دو جلد، درباره جغرافیای تاریخی سیریک، آداب و رسوم این منطقه، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، باورها و اعتقادات مردم از قدیم تا کنون و معرفی شهرها و روستاهای شهرستان و آثار تاریخی هر یک از این شهرها توضیح داده است.

علی آباد در «شتر، کشتی، صحرا» (۱۳۹۵) به ضرب‌المثل‌های محلی این منطقه با موضوع شتر و ویژگی‌های شتر در ادبیات شفاهی و مکتوب این منطقه و اشعار محلی به طور محدود اشاره کرده است. وی همچنین در بخشی دیگر

به نقش شتر در مراسم ازدواج و باورهای قدیمی و سنتی مردم منطقه پرداخته است. خدابخش زومکی جاسکی در کتاب «فرهنگ مردم جاسک» (۱۳۹۶) از فرهنگ و ادبیات عامیانه جاسک سخن رانده است که به علت نزدیکی با فرهنگ سیریک، قابل توجه است.

از آن جا که تاکنون پژوهشی مجزا در زمینه احکام ازدواج در شهرستان سیریک یافت نشد، در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. در اینجا به موضوعاتی چون: ۱- خواستگاری ۲- تعیین مهریه ۳- نامزدی ۴- جمع آوری هیزم ۵- خرید عروسی ۶- آغاز مراسم عروسی، با توجه به برخی جزئیات، به توصیف و تحلیل هر یک می‌پردازیم.

۲. خواستگاری (ربّاله)

ربّاله^[۱] (rabbāla) اصطلاحی است که در فرهنگ عامه شهرستان سیریک و شهرهای اطراف آن به خواستگار اطلاق می‌گردد. در گذشته ازدواج در میان مردمان سیریک غالباً در سنین کم و پایین تر از ۱۷ سال و در مورد دخترها کمتر از ۱۳ سال نیز بوده است. به طور کلی ازدواج در گذشته بیشتر به علت استحکام روابط طایفه‌ای میان خانواده‌ها بر مبنای روابط فامیلی و قبیله‌ای صورت می‌گرفت. «از ابتدای قرن بیستم، با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، الگوی سنتی خانواده به تدریج رو به تغییر گذاشت. یکی از حوزه‌های این تغییرات سن ازدواج است» (التجائی، ۱۳۹۵: ۱).

بدین سبب در حال حاضر در سیریک، سن ازدواج نیز تغییر کرده است و در میان مردم این منطقه برای پسران بالای ۱۸ سال است و برای دختران به بالای ۱۶ سال رسیده است. «گمان غالب این است که تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران در نیم قرن اخیر تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تغییر سن ازدواج در ایران به صورت افزایش آن گذاشته‌اند» (همان: ۲).

اصولاً در جوامعی که دارای بافت اجتماعی و فرهنگی سنتی هستند، اجبارهای اجتماعی در همه حوزه‌ها دیده می‌شود. ازدواج نیز از این قاعده جدا نیست. در گذشته عامل ازدواج در سنین کم را طرد فحشا و ریشه‌کن ساختن فساد می‌دانستند. زیرا معتقد بودند اگر ازدواج از رونق بیفتد فساد و فحشا گسترش می‌یابد. در واقع «ازدواج امری مهم و ضروری است زیرا عاملی برای نجات از آلودگی، موجبی برای نجات از تنهایی، سببی برای بقای نسل است» (قائمی، ۱۳۶۵: ۱۷).

در هنگام همسرگزینی، پسر و دختری که در این جوامع زندگی می‌کنند، نگاهی نیز به محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی انتخاب خود دارند. در گذشته زمانی خواستگاری رسمی شروع می‌شد که پدر داماد، به همراه چند نفر از ریش سفیدان و بزرگان طایفه برای قول و قرار گذاشتن به منزل پدر دختر رفته و موضوع خواستگاری را مطرح می‌کردند. دختر و پسر به علت برخی محدودیت‌های متعصبانه قومی، در تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر سهمی نداشتند، بلکه این ریش سفیدان خانواده و بزرگان قبیله بودند که در این امر دخالت می‌نمودند. شدت این محدودیت‌ها به گونه‌ای بود که عروس و داماد نیز تا قبل از شب عروسی اجازه دیدار یکدیگر را نداشتند. بیشترین نوع ازدواج در قدیم در قالب فامیلی و درون‌گروهی بوده است. آنان هرگز با قبایل دیگر وصلت نمی‌کردند. یکی از دلایل این نوع ازدواج‌ها را می‌توان همان تعصبات قبیله‌ای دانست که با ازدواج‌های برون‌گروهی مخالف بودند. از قدیم‌الایام رسم بر این بوده که دختران هر طایفه را به پسران همان طایفه شوهر می‌دادند و در رعایت و انجام این رسم، حمیت و تعصب داشتند. منتها از آن جایی که ازدواج در این شهرستان، از نوع درون‌گروهی بود، خانواده‌ها مایل به ازدواج دختران‌شان با افراد بیگانه نبودند. بدین علت، بیشتر ازدواج‌هایی که در سیریک رواج داشت، ازدواج از نوع درون‌گروهی بود. هدف از این نوع ازدواج‌ها، بیشتر حفظ نام و میراث خانوادگی بود. «در سالهای اخیر و با وجود پیشرفت علم و دانش و بالا رفتن سطح سواد اجتماعی و فرهنگی مردم، افراد نسبت به این سنت‌ها عکس-العمل نشان داده‌اند. برخی از مردم از ازدواج‌های فامیلی خود داری نموده‌اند» (انواری، ۱۳۸۸: ۴۲).

امروزه خواستگاری رسمی در سیریک به این شیوه صورت می‌گیرد که ابتدا شخصی به نمایندگی از پدر و خانواده داماد به منزل پدر عروس مراجعه می‌کند و موضوع خواستگاری را با پدر عروس مطرح می‌نماید. این مسأله به شکل کاملاً محرمانه و مخفیانه انجام می‌گیرد به گونه‌ای که تنها دو خانواده از آن مطلع می‌گردند. «گاهی حتی بجز خود داماد و والدین او و عروس و والدینش، سایر اعضای دو خانواده از موضوع خواستگاری مطلع نمی‌شوند» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۳).

زنان در خواستگاری و ربّاله نقشی ندارند در این مراسم تنها بزرگان و پدر خانواده حضور دارند و به طور کلی امری کاملاً مردانه به شمار می‌آید. می‌توان ادعان داشت که این سنت از فرهنگ گذشتگان بر جای مانده است. امروزه پس از کسب اجازه برای خواستگاری، معمولاً ریش سفید یا بزرگان فامیل که نفوذ بیشتری دارند برای خواستگاری و جلب رضایت کامل از خانواده عروس پیش قدم می‌شوند و «یکی از اعضای که مسن‌ترین فرد و مورد احترام می‌باشد باب سخن را آغاز می‌کند. این شخص معمولاً بسیار مؤدب صحبت می‌کند. خانواده عروس هرچقدر هم بی‌اعتنا باشد، به دلیل حضور بزرگان مجلس جواب قطعی را می‌دهند» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۱). در دوران اخیر در امر خواستگاری و انتخاب همسر، تغییر و تحولاتی صورت گرفته است و برخی از این محدودیت‌ها برداشته شده است با این تفاوت که امروزه دختر و پسر با کسب اجازه از والدین برای آینده خود تصمیم می‌گیرند.

۳. تعیین مهریه

در شهرستان سیریک از گذشته تا کنون گرفتن مهریه یا صداق را مال (māl) گیشیدن^[۲] (gisiden) می‌نامند. در قدیم رسم بر این بود که مهریه را بزرگان دو خانواده تعیین می‌کردند و بر سر آن توافق می‌نمودند. نوع مهریه در قدیم بر اساس شیوه زندگی مردم در آن زمان بوده است به طوری که بر اساس مایحتاج روزمره آنها، تعیین می‌گردید. «در گذشته علاوه بر طلا، چند اصله نخل (اغلب به اندازه مقدار مثقال‌های طلا)، چند نفر شتر و در مواردی دو نوکر (پیشخدمت-کنیز و غلام) و حتی در گذشته‌های دور هفت من مس (ظروف مسی) دو عدد گد^[۳] (god)، یک جفت بُرغمی^[۴] (bor̄yomi) و بُرکه^[۵] (bor̄ka) و .. از موارد مهر و صداق دختران گیاوان زمین و شهرستان سیریک بوده است» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۴).

یکی از عوامل اصلی انتخاب شتر و نخل در مهریه عروس در قدیم استفاده مردم از شتر در حمل و نقل‌های بین شهری و حمل بار بوده است. شتر در گذشته از درجه اهمیت خاصی برخوردار بود به گونه‌ای که می‌توان گفت: «شتر نقشی تعیین کننده در زندگی مردمان جنوب ایران داشته است، همانطور که کشتی‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها را درنوردیده اند، شترها نیز صحراها، دشت‌ها و کوه‌ها را زیر پای خود گذاشته‌اند» (آباد، ۱۳۹۵: ۱۶).

همچنین یکی دیگر از اصلی‌ترین منابع تأمین مایحتاج روزانه مردم در قدیم، درخت‌های نخلی بوده است که مردم خوراک (خرما)، مسکن و حتی پوشاک خود را از آن می‌گرفته‌اند. «نخل و خرما در استان هرمزگان نقش مهمی در سنت‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات، و مراسم مختلف اجتماعی ایفا می‌کنند» (سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). به عنوان مثال در گذشته از شاخه‌های درخت خرما برای خود نعلین (دمپایی) و انواع صنایع دستی و خانه‌هایی از جنس چوب درخت خرما می‌ساختند. به همین دلیل نخل را جزء مهریه و صداق عروس به شمار می‌آوردند. به عبارتی دیگر درخت «نخل در بین مردم هرمزگان همچون دیگر نقاط خرما خیز از احترام خاصی برخوردار است تا جایی که آن را در ردیف انسان به شمار می‌آوردند» (همان: ۱۵۱)

عامل اصلی آوردن دو نوکر (کنیز و غلام) در سند مهریه عروس بدین سبب بوده که از قدیم در جنوب ایران به-ویژه شهرستان سیریک، همانند اکثر نقاط کشور برده‌داری رواج داشت. «در ایران، بردگی اساساً به شکل خانگی مرسوم بوده است. خانه‌زاد شدن و به آسانی آزاد شدن از ویژگی‌های عمده برده‌داری در قدیم بوده است» (آباد،

۱۳۹۴: ۴۲). می‌توان اشاره کرد که این نوع برده‌داری از قدیم‌الایام در شهرستان سیریک و شهرهای اطراف آن نیز قابل مشاهده است.

امروزه با توجه به تحولات فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی، این رسم و این نوع صداق از میان رفته است و آنچه به عنوان مهر دختر در سند زده می‌شود از ۱۰۰ مثقال طلا تا ۳۰۰ مثقال متغیر است. همچنین مقدار مهریه با توجه به نوع ازدواج از فامیلی یا غیر فامیلی بودن آن تعیین می‌گردد. در ازدواج‌های فامیلی مهریه کمتری گرفته می‌شود ولیکن در ازدواج‌های غیرفامیلی به مراتب مهریه بیشتری اخذ می‌گردد.

۴. نامزدی، نَمی^[۶] (خَوستار^[۷])

مفهوم "خَوستار" (xwastār) اصطلاحی است که در گویش عام شهرستان سیریک و همچنین جنوب مکران به نامزد اطلاق می‌گردد. لازم به ذکر است که این اصطلاح از زبان بلوچی جنوب مکران گرفته شده است و از قدیم -الایام در گویش محلی سیریک و شهرهای اطراف آن رایج است.

"نمی کردن" (nomi) نیز همان اصطلاح ناف بریدن عامیانه است و می‌توان آن را یکی از سنن برجای مانده از قدیم در سیریک بیان نمود. بدین شیوه که والدین، دختر و پسر خود را از دوران نوزادی یا در اصطلاح معیار، از زمانی که نافشان را می‌بریدند آنها را با یکدیگر نامزد می‌کردند و علت این امر را حفظ سنت‌های قدیم و رواج ازدواج‌های درون گروهی می‌دانستند. «در گذشته دوران نامزدی معنی و مفهومی نداشت؛ یعنی با وجود اینکه پدر و مادر دو طرف با هم حرف زده بودند؛ ولی حرفی بین عروس و داماد رد و بدل نمی‌شد. آنها حتی همدیگر را ملاقات نمی‌کردند؛ خجالت می‌کشیدند، اگر داماد در مجلسی وارد می‌شد که عروس در آن مجلس حضور داشت، عروس به سرعت آن مجلس را ترک می‌کرد» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

علت اصلی این رفتارها را می‌توان در فرهنگ و سنت دینی مردم بررسی کرد. در گذشته مردم در حفظ سنت‌های اصلی و همچنین معتقدات دینی خود متعصبانه برخورد می‌کردند. یکی از سنت‌ها و فرهنگ‌های عامیانه مردمان شهرستان سیریک که ریشه در تعصبات دینی آنان داشت، ندیدن دختر و پسر یکدیگر را قبل از محرم شدنشان بود. به همین علت قبل از مراسم ازدواج هر دو طرف حق دیدن یکدیگر را نداشتند. بر این اساس دختر «هرگز چهره‌اش را به داماد نشان نمی‌داد و وقتی داماد را می‌دید، خود را از دید وی پنهان می‌داشت» (همو). این پنهان ماندن و عدم دیدار دختر و پسر تا روز عروسی ادامه داشت.

در دوران اخیر با توجه به پیشرفت زندگی مدرن و افزایش سطح سواد اجتماعی مردم شهرستان سیریک، این آداب و رسوم، از فرهنگ گذشتگان فاصله گرفته است و دختر و پسر، در دوران نامزدی برای شناخت بیشتر، تحت نظارت خانواده‌ها همچنین با رعایت اصول و سنت‌های مرسوم، اجازه دیدار یکدیگر را دارند و اصولاً در این راستا دو طرف برای شناخت تشابهات و تمایزات میان دو خانواده و یکدیگر می‌کوشند.

۵. دار چیدن (جمع آوری هیزم)

یکی از نشانه‌های آغاز مراسم عروسی در شهرستان سیریک، دار (dār) چیدن (chiden) یا همان جمع آوری هیزم توسط پسرهای جوان فامیل است. در گذشته ولیمه و غذای عروسی به وسیله آشپزهای محلی بر روی آتش مهیا می‌گردید. اصولاً نوع غذای مرسوم در عروسی‌ها آبگوشت به همراه نان محلی بود. در این مراسم پخت نان توسط زنان فامیل انجام می‌گرفت. آنان به صورت گروهی نان را در تنور می‌پختند که در اصطلاح عامیانه به آن نان، «نون تنوری» می‌گویند.

برای این منظور جوانان فامیل، باید یک الی دو خاور هیزم جمع آوری می‌کردند. از هیزم جمع شده نیز برای پخت نان و ولیمه عروسی استفاده می‌گردید. اصولاً این عمل در روزهای قبل از عروسی انجام می‌گرفت. در سنت -

های «امروزه نیازی به جمع‌آوری هیزم دیده نمی‌شود ولی هنوز این امر به صورت نمادین انجام می‌گیرد و برای پخت و پزهای اندک چون دم نمودن چای و قهوه و یا چاق نمودن قلیان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد» (ماه‌یگیر، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۵).

۶. خرید عروسی

چند روز قبل از عروسی خرید عروسی توسط خانواده داماد صورت می‌گیرد که در اصطلاح عام به آن سور خَرَج^[۸] (surxarj) می‌گویند. بدین گونه که چند نفر از والدین داماد نسبت به خرید مایحتاج لازم برای مراسم عروسی اقدام می‌کنند. نکته لازم به ذکر این است که تمام هزینه‌های عروسی بر عهده داماد و خانواده وی است. هزینه‌های عروسی شامل: جهاز عروس از جمله خرید طلا و تهیه لباس‌های محلی مخصوص، سرویس خواب، لوازم گسترده‌تری چون فرش و بالش و لوازم دیگر از خرید کمترین و کوچکترین گرفته تا مهمترین مواد لازم برای آشپزی و خرید بیش از ده رأس بز و گوسفند و... صورت می‌گیرد.

این فرهنگ خرید از گذشته تاکنون رایج است و وجه تمایز آن امروزه با قدیم، تنها در خرید برخی فرعیات و نوع لوازم و مایحتاج مورد نیاز عروسی بر اساس تغییر نیازهای جدید مردم با توجه به فرهنگ و سنت‌های نو در دوران اخیر است. به طور مثال در گذشته خرید سرویس خواب و انواع طلاهای گران قیمت مرسوم نبوده است، بلکه جهاز عروس از چند دست لباس محلی انگشت شمار و چند عدد سکه طلا و برخی لوازم اندک بر اساس نیازهای مورد نیاز آن زمان تهیه می‌گردید.

پس از خرید مایحتاج عروسی «با توافق طرفین تاریخ عروسی را با "رو خوش کردن" معادل روز خوش کردن، نزد ملا معین می‌کردند» (ملاحی، ۱۳۹۰: ۶۱). این اصطلاح به معنای تعیین روز سعد مناسب برای مراسم عروسی بود به گونه‌ای که هرگز در روزهای هشتم و سیزدهم هر یک از ماه‌های قمری به جشن و شادی نمی‌پرداختند. «اگر از روی اضطرار هم صورت می‌گرفت، طوری عروسی را به پایان می‌رساندند که هنوز آفتاب غروب نکرده باشد. چرا که ایام ماه‌های قمری را از غروب آفتاب هر روز تا روز بعد لحاظ می‌کردند» (همان، ۶۲). پس از تعیین روز سعد و مبارک، برای مراسم اصلی عروسی آماده می‌گردیدند.

۷. شروع مراسم عروسی

شروع مراسم عروسی در سیریک آداب و سنن خاص خود را دارا است. این آداب براساس نظم و نیز مرحله به مرحله انجام می‌گیرد و به ترتیب، این مراحل را شامل می‌گردد: نصب پرچم شُوز (سبز) بر بالای بام خانه عروس و داماد، رفتن خُنُغ^[۹]، رَک بَرُن^[۱۰]، عقد کنان، حنابندان، مراسم هفت گُم داماد (هفت قدم)، سرتراشتن^[۱۱] و حمام داماد، بردن داماد به خانه عروس، حجله عروس و داماد، پاتحتی^[۱۲] عروس و داماد (پاتختی). در اینجا به شرح و بررسی هر یک از این مراحل در شهرستان سیریک، به صورت جداگانه می‌پردازیم.

۱-۸ نصب پرچم شُوز^[۱۳] بر بالای بام خانه عروس و داماد

در قدیم به رسم معمول، مراسم ازدواج در منزل پدر عروس و داماد به صورت جداگانه برگزار می‌گردید و امروزه نیز این رسم حفظ گردیده و رایج است. به گونه‌ای که امروزه کمتر کسی آیین ازدواج را در تالار یا هتل برگزار می‌کند. این عمل در سیریک نشانه حفظ اصالت فرهنگ و سنت‌های به جای مانده از دوران قدیم است. «با آغاز اولین روز عروسی هر دو خانواده پرچم سبز رنگی را بر بلندای بام خانه هایشان نصب می‌نمایند. این امر از گذشته رواج داشته و تاکنون نیز پا برجاست. رنگ سبز در عروسی‌های شهرستان سیریک در بسیاری از مراحل به چشم می‌خورد. علاوه بر این بر روی وسایل نقلیه‌ای که در انجام امورات عروسی فعالیت دارند نیز پرچم‌های سبز رنگ کوچکی

نصب می‌کنند. همچنین سربندهایی که زنان و دختران خانواده داماد و خانواده‌های نزدیک به آن دو بر سر می‌بندند، نیز به رنگ سبز است» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۷).

علاوه بر این، در مواردی همچون: لباس شب حنای عروس، پارچه‌های حجله عروس و داماد، پارچه‌ای که رسم است با آن چهره داماد را بپوشانند و حتی کمر بند داماد که در ایام عروسی به کمر وی می‌بندند و بسیاری موارد دیگر نیز، رنگ شُوز (SOWZ) یا سبز مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان اذعان داشت که رنگ سبز رنگ بسیار مقدّسی برای مردمان شهرستان سیریک است. چون ازدواج نیز امر مقدّس و سنت دینی آنان است از رنگ سبز به سبب تقدّس و پاکی آن همواره در مراسمات عروسی خود استفاده می‌کنند و برای مردم نماد خوش یمن و مبارکی است.

۲-۸ خُنْدُغ

واژه ی "خُنْدُغ" (xondoy) واژه‌ای بلوچی است که در گویش شهرچی شهرستان سیریک کاربرد دارد. در اصطلاح عام به گروهی از زنان و مردان اطلاق می‌گردد که به محض آغاز مراسم، به نمایندگی از پدر و مادر عروس و داماد، مامور اطلاع‌رسانی و دعوت مردم شهر و روستاهای اطراف آن به عروسی می‌شوند. بدین‌گونه که زنان به گروه‌های سه یا چهار نفره تقسیم می‌گردند، «لباس‌های زیبا می‌پوشند و مردم را به عروسی دعوت می‌کنند» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). اصولاً دعوت زنان بر عهده آنان است. همچنین مردان به نمایندگی از پدر عروس و داماد به صورت جداگانه به درب خانه‌های اهالی محله‌های مختلف رفته و مردان خانه را به سُور (SUR) و عروسی دعوت می‌نمایند.

از قدیم این گروه‌های دعوت کننده را خُنْدُغ می‌نامیدند و در حال حاضر نیز این واژه به همراه مفهوم آن، به تبعیت از گذشته، در فرهنگ و ادب عام بر جای مانده است. امروزه نیز متأثر از آداب و رسوم گذشته «دسته‌های خُنْدُغ پس از انجام مأموریت خویش و دعوت از اهالی محلات و روستاهای اطراف، به خانه داماد یا عروس که آنها را فرستاده‌اند باز می‌گردند و به افتخار آنان میهمانی شام یا نهار تدارک دیده می‌شود. در گذشته به طور معمول دسته‌های خُنْدُغ که به روستاهای اطراف رفته‌اند، توسط یکی از بستگان یا دوستان خانواده داماد یا عروس در آن محل یا روستا مهمان می‌شدند. و برای آنان ضیافت یا مهمانی ترتیب داده می‌شد» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۸). به طور کلی این رسم از قدیم‌الایام حفظ شده و دچار تغییر و تحول چندانی نگردیده است. بدین‌گونه که امروزه نیز شاهد برگزاری این رسم و سنت در شهرستان سیریک هستیم.

۳-۸ رَک بَرُن

یکی از اصلی‌ترین مراحل سُور و عروسی در شهرستان سیریک، "رَک بَرُن" (rak baron) یا جهاز بران است «جهیزیه رسم و سنتی است که قبل از اسلام در جامعه وجود داشته و دارای صور مختلف بوده است» (قائمی، ۱۳۶۵: ۱۷۴). بدین‌گونه که پس از دعوت مردم به سُور در روز تعیین شده که در اصطلاح عام به آن "روز رَگُن" می‌گویند، مهمانان دعوت شده به عروسی به منظور همراهی برای بردن جهیزیه و ساخت عروس که توسط خانواده داماد مهیا گردیده است در منزل پدر داماد گرد می‌آیند. «به صورت دسته جمعی، در حالی که تعدادی از زنان، چمدان‌های لباس و وسایل عروس را بر سر نهاده و طی مراسم خاصی که اغلب با صدای دهل و لُوطی^[۱۴] (luti) نوعی موسیقی محلی، همراه است به سوی خانه عروس حرکت می‌نمایند» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۹). پس از آن که به منزل عروس رسیدند، تمامی جهاز عروس به ویژه طلا و مهریه‌ای که از قبل تعیین شده را در معرض تماشای زنان حاضر در مراسم قرار می‌دهند. بر این اساس می‌توان گفت که این رسم نیز برخاسته از فرهنگ و سنت قدیم است و تنها تفاوت آن با امروز نبود تجملات در گذشته است. در قدیم بزرگان فامیل، امر ازدواج و تشکیل خانواده را برای جوانان ساده، بی‌آلایش و به دور از تجملات دنیای امروز برگزار می‌کردند. در گذشته چند روز قبل از

عروسی و گاهی روز قبل از آن، مراسم جهازبران صورت می‌گرفت. معمولاً ساخت و جهاز عروس را در هنگام صبح می‌آوردند. برای جهازبران چند نفر طبق‌کش جهیزیه عروس را به خانه داماد حمل می‌کردند. در گذشته «برخی از اقلام جهیزیه عروس یک جفت پیاله مسین، که در یکی رنگ و در دیگری حنا خمیر می‌کردند و آنها را روی هم، پیاله رنگ و حنا می‌نامیدند» بود (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۶۷). به همراه طبق‌کش‌ها، عده‌ای ڈھل زن در طول راه ساز و ڈھل می‌زدند و زنان رقص دستمال و مردان با رقص محلی بلوچی اظهار شادی می‌نمودند.

۴-۸ عقد کنان

از دیگر مراحل مهم سور (SUI) در سیریک مراسم عقدکنان است که به شیوه خاصی برگزار می‌گردد. در شهرستان سیریک برخلاف دیگر نقاط کشور مراسم عقد و عروسی با هم است و سفره عقد در فرهنگ عام آن تعریف نشده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت مراسم عقد به شیوه قدیم و بدون سفره عقد برگزار می‌گردد. در واقع عقد در روز رگن و معمولاً پس از بردن جهاز عروس در منزل پدر عروس برگزار می‌گردد. عروس و داماد به هنگام انعقاد صیغه عقد در کنار هم و در یک جا قرار نمی‌گیرند. بدین شیوه که ابتدا در مجلسی جداگانه با حضور بزرگان فامیل و ریش سفیدان، همچنین اقوام درجه یک عروس و داماد به عنوان شاهدان عقد، خطبه عقد را برای داماد در مجلسی مجزا و کاملاً مردانه قرائت می‌کنند و جواب مثبت را از داماد می‌گیرند. پس از امضای داماد، عاقد به همراه پدر عروس یا برادر وی به نزد عروس که در مجلسی جداگانه حضور دارد رفته و جواب بله را به همراه امضاء از وی می‌گیرد. پس از این زنان حاضر در مجلس برای اظهار شادی و مبارکی این ازدواج هلهله و کی سر می‌دهند.

۵-۸ حنابندان

آیین حنابندان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است «این آیین از سنت‌های باقی مانده میان دو دنیای شرق و غرب است که با وجود تفاوت‌های ظاهری، تشابهاتی در فلسفه وجودی و ماندگار آن دیده می‌شود و البته وجوه اشتراک و تشابهاتش بر وجه تمایز آن غالب است و تنها عنصر متمایزکننده آن، واژه‌ها و اصطلاحات محلی هستند. آیین حنابندان با اشاعه فرهنگی و با هدف تداوم بین قومیت‌های ایران برگزار می‌شود که البته در طی قرون گذشته با تغییراتی همراه بوده است» (رفیع فر و کمالو، ۱۳۹۳: ۴۴). آیین‌ها و مناسک سرشار از نمادها و نشانه‌ها هستند و در حقیقت رمز و نماد تلقی می‌گردند.

در شهرستان سیریک نیز این مراسم نماد خاصی دارد. و نماد پاکی و قداست است. همانطور که قبلاً بیان کردیم رنگ سبز در شهرستان سیریک نماد تقدس و پاکی شمرده می‌شود. حنا نیز به علت رنگ سبز آن مقدس است. مراسم حنابندان در سیریک به مانند دیگر نقاط کشور از اهمیت خاصی برخوردار است و طبق آیین خاصی برگزار می‌گردد. «از طرف خانواده داماد مقداری حنا به خانه عروس فرستاده می‌شود. در این شب فقط اقوام نزدیک عروس و داماد در خانه پدر دختر جمع می‌شوند و مشاطه آرایشگر مقداری حنا به کف دست عروس می‌گذارد» (جاوید، ۱۳۸۲: ۷۷). لازم به ذکر است که در گذشته حنا گذاشتن تنها در کف دست عروس مرسوم بوده است. اما این سنت برای داماد متفاوت برگزار می‌شد به گونه‌ای که دست‌ها و همچنین پاهای وی را نیز تا میچ آن حنا می‌گذاشتند. امروزه نیز در شهرستان سیریک هنوز این رسم برای داماد حفظ شده است. اما در مورد حنای عروس این سنت دچار تغییراتی گردیده، بدین گونه که با طرح‌های متفاوت و زیبا از سرانگشتان دست تا بازوی عروس و از سرانگشتان پا تا میچ، توسط دختران جوان با حنا طراحی می‌گردد. «برای مراسم حنابندان از قبل اتاق مناسب را برای عروس یا داماد مهیا می‌کنند» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). در آن اتاق یک تشک سبز به همراه دو بالش سبز تزیین شده با نگین و پولک‌های رنگارنگ قرار می‌دهند و عروس یا داماد را بر روی آن، حنا می‌بندند. «در همین حال یکی از دختران

نوجوان خانواده یا مادر عروس و داماد پشت سر عروس یا داماد نشسته و درحالی که با همخوانان در نازینک^[۱۵] (nazink) خوانی همراهی می‌نمایند، با پارچه‌ای سبز به صورت نمادین و به آرامی بر پشت سر و گردن او می‌زنند (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۱۸۹/۲). این رسم نیز متأثر از آیین و سنت‌های گذشتگان است که هنوز بر جای مانده است. مراسم حنابندان تنها یک شب برگزار می‌گردد و اصولاً در شب آخر عروسی انجام می‌گیرد. «زنی که مسئول حنابندانی عروس است، "مشاطه" نام دارد» (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۲). اشعار و نوع موسیقی حنابندان شامل ساز و دُهل، تونپک^[۱۶] (tunpak)، و ترانه‌های شاد شامل: نازینک و لارو^[۱۷] (lārow) و لیکرو لارو^[۱۸] (lailarow) است.

"نازینک خوانی" نوعی از ترانه‌ها و اشعار محلی بلوچی رایج در شهرستان سیریک است که توسط زنان در آیین حنابندان و در هنگام اجرای آن خوانده می‌شود. به گونه‌ای که یکی از زنان حاضر در مجلس به صورت تکی شروع به خواندن می‌کند و دیگر زنان وی را همراهی و همخوانی می‌کنند.
نمونه ای از اشعار حنابندان:

به دست و پاش می‌بندیم	امشب حنا می‌بندیم
آب طلا می‌بندیم	اگر حنا نباشه

نازینک خوانی در رقص محلی مردان همراه با ساز و دهل نیز اجرا می‌گردد. ساز و دهل از گذشته تاکنون رایج بوده است. در شهرستان سیریک نیز به شیوه خاصی از گذشته برجای مانده است. "لوطی" در اصطلاح عام گروه موسیقی ای را می‌نامند که در مراسم عروسی‌ها ساز و دُهل می‌نوازند. این آیین در شب عروسی یا روز عروسی اجرا می‌گردد و رقص و پایکوبی مخصوص به خود را دارا است که در گویش عامیانه آن را تماشا^[۱۹] (tamāshā) بلوچی یا به عبارتی سئ (سه) چاپ (دست زدن) می‌نامند. «در تماشا افراد به صورت دایره‌وار بر گروه لوطی حلقه می‌زنند و گروه نوازندگان لوطی در درون حلقه با شعاع کوچکتری در حالی که می‌نوازند گردش می‌کنند. در واقع ابتدا گروه موسیقی اقدام به نواختن ریتم‌های مختلف نموده تا وقتی که نوبت به تماشا بلوچی می‌رسد. با تغییر ریتم دهل بزرگ و کوچک و همچنین ساز پیک^[۲۰] (pik)، مردانی که قصد شرکت در تماشا بلوچی را دارند یکی یکی به گروه پیوسته به شکل دایره‌وار به دور نوازندگان حلقه می‌زنند و با صدای کوبیدن دهل بزرگ، دو کف دستان خویش را به هم می‌کوبند و اصطلاحاً چاپ می‌زنند» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۱۹۲/۲). در این میان شخصی که به همراه ساز لوطی، نازیک می‌خواند شروع به خواندن می‌کند و دیگر افراد وی را همراهی می‌کنند. این رقص در جشن‌ها و عروسی‌های مردم این شهرستان با شور و اشتیاق خاصی اجرا می‌گردد.

۶-۸ مراسم هفت گم داماد

هفت گم (gum) در زبان عامیانه شهرستان به هفت گام یا همان هفت قدم اطلاق می‌گردد. این نیز به سبب مقدس بودن عدد هفت در دین اسلام و قرآن است. در گذشته نه چندان دور در روز عروسی و سور مرسوم بود که مردم قبل از ظهر، داماد را به همراه ساز و دُهل و با پای پیاده به صحرا یا امامزاده‌ای که در آن شهر قرار داشت می‌بردند و بهترین غذای پخته شده در روز عروسی را برای وی در نظر می‌گرفتند. آن غذای مخصوص را با آیین خاصی به داماد می‌دادند. برای این امر، دو مرد که ریش سفید و بزرگ فامیل بودند برای وی لقمه می‌گرفتند. رسم بود که اولین لقمه را داماد بخورد. پس از آن دو مرد وی را در صرف آن ناهار همراهی می‌کردند و دیگر مردمان حاضر در آن مراسم، به اندازه‌ی تبرک از آن غذا بر می‌داشتند و می‌خوردند زیرا در معتقدات عامیانه شهرستان سیریک، مردم غذایی که برای داماد بود را مقدس می‌شمردند.

این آیین تا قبل از اذان ظهر به اتمام می‌رسید و همه برای صرف ناهار و ولیمه سور به خانه داماد باز می‌گشتند. از گذشته تاکنون پذیرایی بیشتر با شیرینی، میوه، شربت، نقل و صرف ناهار و شام و ... همراه بوده است. مراسم هفت گم تنها برای داماد صورت نمی‌گرفت بلکه در مورد عروس نیز این رسم در قدیم وجود داشته است. اما به سبب اینکه عروس تا پایان مراسم سور باید از دید همگان پنهان می‌بود، این امر به صورت محرمانه و تنها با همراهی زنان انجام می‌گرفت.

امروزه نیز هنوز پایبندی به این سنت در برخی از شهرها و روستاهای سیریک مشهود است. ولیکن به سبب تغییر و تحولات فرهنگی در دوران اخیر، در برخی شهرها این رسم کمرنگ گردیده و تنها در شب حناپندان برخی از خانواده‌ها عروس و داماد را جداگانه به نزدیکترین حسینیه یا امامزاده برده و این مراسم را اجرا می‌کنند. این امر نشانه حفظ اصالت و آداب دینی مردم از قدیم و پیشینیان است.

۷-۸ سر تراشتن و حمام داماد

سر تراشتن (sar terašten) رسمی است بسیار قدیمی که طبق آیین و سنن خاصی در عصر روز عروسی انجام می‌گیرد. در گذشته مرسوم بود داماد را به صحرا و چشمه یا بر سر چاه‌هایی که در اطراف شهر قرار داشت برای حمام می‌بردند. بدین صورت که وی را به همراه ساقدوش وی که در زبان عامیانه به آن "پیش‌مرد"^[۲۱] (pismard) می‌گویند سوار بر شتر مزین شده با گل‌های کاموایی یا گل‌مپک^[۲۲] (golompak) می‌کردند که در اصطلاح عام به آن جمناز شتر می‌گویند. «ساقدوش‌ها نیز از میان دوستان خوشنام، سعادت‌مند، دیندار و ترجیحاً سید انتخاب می‌شوند» (جاوید، ۱۳۸۲: ۳۹). در سیریک نیز بر همین اساس انتخاب می‌شدند.

پس از آن به همراه موسیقی محلی لوطی و رقص بلوچی به محل مورد نظر که در گویش عام "سرهاو"^[۲۳] نام داشت برای سر تراشتن می‌بردند. «این مراسم در یک محوطه باز و در زیر یک پارچه سبز رنگ بزرگ که یک گوشه آن را زنان و گوشه دیگر آن را مردان گرفته‌اند همراه با خواندن شعرهای محلی و گاهی با تکان دادن پارچه انجام می‌گرفت» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶/۲). این پارچه سبز رنگ توسط دختران فامیل پولک‌دوزی و تزیین می‌شد. در زیر این پارچه، داماد را توسط آرایشگر و چند مرد دیگر اصلاح می‌کردند. این مراسم با ساز و دهل و رقص و پایکوبی محلی توسط مردان فامیل همراه بود. «هنگامی که داماد در زیر چادر بود و آرایشگر به آرایش موها و صورت وی می‌پرداخت، طی مراسمی هدیه‌های نقدی مهمانان به داماد جمع‌آوری می‌شد» (ماه‌گیر، ۱۳۹۴: ۱۹۴/۲). بدین صورت که هر یک از مهمانان برای تقدیم هدیه خود جلو رفته و مبلغ نقدی مورد نظر را به دست فردی که در کنار چادر ایستاده بود می‌داد و آن شخص با بلند کردن دست خود به گونه‌ای که حاضرین در آن مجلس مشاهده کنند با صدای بلند می‌گفت: فلان شخص پسر فلانی، از فلان شهر، فلان مقدار هدیه تقدیم داماد کرده است. این عمل تا پایان مراسم سر تراشتن ادامه می‌یافت.

امروزه این رسم به دست فراموشی سپرده شده و به مدت ۱۰ الی ۲۰ سال است که سر تراشتن در این منطقه برگزار نمی‌گردد. علت این امر را می‌توان در تغییر اصل سنت‌ها جستجو کرد. سنت و فرهنگ و آداب و رسوم زمانی دچار تغییر و دگرگونی می‌گردد که اصول و عقاید عامیانه مردم تغییر کند. پس از اتمام سر تراشتن شخصی داماد را در حالی که پارچه سبز به دور وی پیچیده بودند بر دوش گذاشته و به حمام می‌برد. پیچیدن داماد در پارچه سبز، یکی از اعتقادات قدیم مردم سیریک بود که چهره داماد را پس از اصلاح نباید کسی مشاهده می‌کرد، زیرا معتقد بودند اگر کسی چهره داماد را ببیند نورانیت چهره وی از میان می‌رود. بدین سبب تا نرسیدن داماد به حجله عروس چهره داماد به وسیله پارچه سبز رنگی پوشیده بود.

حمام داماد نیز مراحلی را در بر داشت. ابتدا داماد توسط مشاطه یا آرایشگر یا یکی از بزرگان فامیل به حمام برده می‌شد. در این مدت زنانی که در پشت در انتظار او را می‌کشیدند به نازیک‌خوانی می‌پرداختند. پس از آن، داماد

را به اتاقی برای پوشیدن لباس‌های وی، می‌بردند. بدین گونه که باز او را بر دوش گذاشته و به محل پوشش لباس می‌بردند. «هنگامی که داماد لباس دامادی اش را می‌پوشید، خواهر داماد را صدا می‌زدند تا نسبت به انداختن عمامه داماد با طی سه مرحله اقدام نماید. این کار نیز با عمامه سبز رنگ صورت می‌گرفت. و خواهر داماد برای انداختن عمامه، یک عدد سکه طلا به داماد هدیه می‌داد» (همان: ۱۹۵). در قدیم پس از حمام، چشمان داماد را سُرْمه می‌کشیدند و در واقع این امر نماد چشم‌روشنی برای داماد بوده است. در دوران اخیر در سیریک و شهرهای اطراف آن این مراسم تا حدودی حفظ گردیده و با اندکی تغییر برگزار می‌گردد.

۸-۸ بردن داماد به خانه عروس

در شهرستان سیریک برخلاف آیین و آداب و رسوم دیگر نقاط کشور به جای بردن عروس به خانه داماد، از قدیم-الایام داماد را به خانه عروس می‌بردند و همچنان نیز این رسم برگزار می‌گردد.

در گذشته مرسوم بود پس از حمام و آمادگی کامل داماد دو نفر از اشخاص بااحترام و بزرگ فامیل، وی را همراهی می‌نمودند و یکی از آن‌ها که به داماد نزدیکتر بود به عنوان "پیشمرد" به همراه داماد سوار بر شتر می‌شد و مردم و مهمانان با موسیقی محلی‌ای که لوطی نامیده می‌شد داماد را همراهی می‌کردند. در این مراسم، خواهر داماد در حالی که چمدان کوچکی که محتویات آن، وسایل شخصی داماد بود را بر سر گذاشته در کنار شتر داماد حرکت می‌کرد. وی با یک دست چمدان را گرفته و با دست دیگر، رقص دستمال می‌کرد که در اصطلاح عام بدان دستمال-بازی می‌گویند. به همراه لوطی، مردان به رقص بلوچی سرکنکی^[۲۴] (sarkanki) و پایکوبی مشغول بودند.

در شهرستان سیریک از قدیم مرسوم بود که داماد را از دورترین راه به خانه عروس می‌بردند بر این اساس که تمام مردم شهر، شاهد این جشن و سور باشند. مردمی که در بردن داماد شرکت نداشتند برای دیدن این مراسم به بالای بام خانه‌های خود می‌رفتند تا در این سور شریک باشند.

هنگامی که داماد به نزدیکی خانه عروس می‌رسید، گروهی از زنان فامیل عروس، به نمایندگی از مادر عروس و در حالی که برای دوری از چشم زخم، اسفند دود می‌کردند و پارچه سبزی به همراه داشتند به پیشواز داماد می‌آمدند و پس از رسیدن به شتر داماد، آن پارچه سبز را به معنای خوشامدگویی و تبریک به گردن شتر می‌آویختند. «هنگامی که شتر داماد به درب منزل عروس می‌رسید به شتر اجازه خواباندن نمی‌دادند تا اینکه پدر وی چیزی را به رسم هدیه به نام "پانداز" (زیر پای انداز) به داماد تقدیم کند. در این هنگام پدر داماد نیز با توجه به دارایی خویش، قطعه زمینی را، نخلستان و... به عنوان هدیه به داماد تقدیم می‌نمود» (ملاحی، ۱۳۹۰: ۶۶). همچنین در جای دیگر، پس از پیاده شدن داماد از شتر در حالی که دو نفر پیشمرد وی را همراهی می‌کردند و پس از رسیدن به درب حجله عروس «برده‌هایی که به عنوان نوکر زرخرید بودند، برای گرفتن درلهری^[۲۵] (dar lahari) یا به عبارتی، حق خدمت کاری خود، جلو درب منزل را گرفته و مانع ورود داماد به حجله عروس می‌شدند» (همو). داماد یا خانواده داماد به نمایندگی از وی، به آنها نیز سکه‌ای طلا یا هدیه دیگری می‌دادند. پس از آن، با سلام و صلوات به حجله عروس، وارد می‌شدند.

۸-۹ حجله عروس و ورود داماد

در گذشته رسم بر این بود که عروس را زودتر از داماد به حجله می‌آوردند و در آن جا به انتظار داماد می‌ماند. داماد پس از دادن هدیه به نوکرها و داشتن اذن ورود، به همراهی دو پیشمرد و همچنین خواهر داماد در حالی که چمدان وی را بر سر داشت به حجله عروس وارد می‌شدند. مرسوم بود که قبل از نشان دادن داماد در کنار عروس، داماد به پیش نمازی یکی از دو پیشمرد، دو رکعت نماز مستحب ازدواج یا شب زفاف بخواند و برای خوشبختی خود و عروس و اینکه خداوند از ثمره این ازدواج فرزند صالحی به آنها عطا کند دعا نماید. پس از آن، داماد را در کنار

عروس نشانده و ابتدا یکی از دو پیشمرد به نشانهٔ محرم شدن و به منظور به سرانجام رساندن این عروسی و ازدواج، سر عروس و داماد را به آرامی و سه مرتبه به هم می‌زدند. به این امر در گویش سیریک "سَری سَر" (sari sar) می‌گویند. داماد به گونه‌ای در کنار عروس می‌نشست که زانوی چپ خود را بر روی زانوی راست عروس می‌گذاشت یا برعکس. از قدیم رسم بر این بود که کودکی از اقوام را بر روی پای عروس یا داماد می‌گذاشتند که نماد بچه‌دار شدن آن دو در آینده باشد. داماد پس از خارج شدن دو پیشمرد از حجله، پارچه سبزی که چهره عروس به وسیله آن پوشیده بود را کنار زده و همسر خود را برای اولین بار از نزدیک مشاهده می‌نمود.

امروزه نیز در شهرستان سیریک این سنت همچنان حفظ گردیده است. نوع و کیفیت مراسم ازدواج و پوشش عروس و داماد به فرهنگ و آداب جامعه بستگی دارد با توجه به این تفاوت که برخی از آیین‌های مرسوم در قدیم دچار تغییر و تحولاتی گردیده است. به عنوان مثال می‌توان به تغییر در نوع پوشش امروز عروس و داماد اشاره کرد. امروزه عروس، لباس تور سفید و داماد کت و شلوار دامادی به تن می‌کنند. در حالی که در گذشته، داماد لباس سفید بلوچی رایج در جنوب مکران و همچنین عروس نیز لباس بلوچی سبز به همراه جلیبل^[۲۶] (jelbil) مشکی یا سبز برتن می‌نمود و این نشانهٔ مقید بودن آنها به حفظ این سنت و فرهنگ عامیانه بود زیرا به برگزاری ساده و به دور از تکلف این مراسم معتقد و پایبند بودند.

۸-۱۰ پاتختی عروس و داماد (پاتختی)

در قدیم پس از اتمام عروسی و شب زفاف، عروس و داماد تا هفت شبانه روز اجازه بیرون رفتن از حجله و خانهٔ پدری عروس را نداشتند. زیرا مردم این امر را بسیار بدشگون و بدیمن می‌شمردند. به همین علت عروس و داماد تا هفت شبانه روز در خانه پدر عروس می‌ماندند تا روز پاتختی (patahti) فرا برسد. مراسم پاتختی مخصوص زنان فامیل داماد بود. پس از فرارسیدن هفتمین روز، مادر داماد به همراه برخی از زنان فامیل برای گفتن تبریک و دادن هدیه، به دیدار عروس و داماد می‌رفتند.

براین اساس سبدهایی را پر از گل و نقل و شکلات کرده و بر سر عروس و داماد به عنوان شادباش^[۲۷] (šādbāš) می‌ریختند. امروزه نیز این رسم رواج دارد ولیکن به جای هفت شبانه روز، به سه روز یا حتی در مواردی به یک روز تغییر کرده است. بدین گونه که خانواده داماد یک روز پس از عروسی به پاتختی عروس و داماد می‌روند.

۸. نتیجه‌گیری

با بررسی آداب و رسومی که در حوزه ازدواج شهرستان سیریک از گذشتگان برجای مانده است و امروزه دچار تغییراتی گردیده نتایج زیر به دست آمد:

۱- خواستگاری در این منطقه هنوز به شیوهٔ قدیم برگزار می‌گردد اما بسیاری محدودیت‌ها از میان رفته است و برخلاف گذشته که دختر و پسر در انتخاب همسر هیچ دخالتی نداشتند امروزه با کسب اجازه از والدین، درامر تصمیم‌گیری برای ازدواج سهیم هستند.

۲- در شهرستان سیریک ازدواج‌های درون‌گروهی هنوز قابل مشاهده است با این تفاوت که نسبت به گذشته از شدت تعصبات کم گردیده و ازدواج‌های برون‌گروهی نیز در سال‌های اخیر رواج یافته است.

۳- نوع مهریه در گذشته بر اساس شیوهٔ زندگی مردم در قدیم و بر اساس مایحتاج روزمره و به وسیلهٔ ریش سفیدان فامیل معین می‌گردید. امروزه این رسم کم‌رنگ گردیده و مهریه تنها بر اساس مثال طلا و تنها توسط خانوادهٔ عروس تعیین می‌گردد. و به طور کلی بر خلاف قدیم، امروزه حضور بزرگان قبیله، نوعی تشریفات شمرده می‌شود.

۴- در گذشته نامزدی وجود نداشته است به گونه‌ای که دختر و پسر تا قبل ازدواج حق دیدن یکدیگر را نداشتند. اما امروزه تعصبات خانوادگی برداشته شده است و این مراسم برای شناخت بیشتر دختر و پسر صورت می‌گیرد.

۵- بسیاری از سنت‌های قدیم با تغییر در زندگی مدرن و دنیای امروز از میان رفته و کاملاً منسوخ گردیده است، مراسم و سنت‌های همچون: جمع‌آوری هیزم، سر تراشتن و به صحرا بردن داماد برای حمام، مراسم هفت گم یا هفت گام در ظهر عروسی است که به دست فراموشی سپرده شده است. این تحولات را می‌توان تحت تاثیر پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی و عوامل فرهنگی در دنیای امروز دانست.

پی نوشت ها:

- [۱] ربّالّه: به گروهی از افراد گفته می‌شود که به نمایندگی از خانواده داماد برای خواستگاری به منزل عروس می‌روند.
- [۲] مال: معادل مهریه و صداق است (آباد، ۱۳۹۳: ۴۲۶). گیشیدن: جدا کردن دو نفر در حال دعوا. این کلمه در جدا کردن افراد هنگام مشاجره و دعوا که منجر به برخورد فیزیکی می‌شود نیز کاربرد دارد (همان: ۴۰۷). در اینجا به معنای جدا کردن یا به عبارتی گرفتن مال و مهریه عروس است.
- [۳] واژه‌های است بلوچی معادل لباس (همان: ۳۷۸).
- [۴] نوعی زیورآلات زنانه است (همان: ۸۸).
- [۵] معادل برقع، روپوش زنانه که حالت‌های مختلف دارد. برای دختران باکره، رنگ سیاه یا حاشیه قرمز، برای زنان شوهردار، قرمز، برای زنان بیوه و پیرزنان، رنگ تیره استفاده می‌شود. بهترین برقع را زنان روستای «سیکویی» شهرستان سیریک می‌بافند (همان: ۸۹).
- [۶] به عنوان مثال: نَمی دازم فراون، دهی دازم آویرون. یعنی: نام و رسم بلند و فراوانی دارم، اما زندگی‌ام ویرانه‌ای بیش نیست (همان: ۴۴۳). به معنای نَم یعنی نام و اسم و رسم. نمی کردن در معنی نامزدی کردن در قدیم و امروزه است.
- [۷] خوستار معادل نامزد است (همان: ۲۱۶).
- [۸] هزینه‌های برگزاری یک عروسی (همان: ۲۹۲).
- [۹] زنانی که به عنوان قاصد عروسی به درب منازل مراجعه و پیام دعوت عروسی را به صاحب خانه می‌دهند، حضور آنان با کِل همراه است. از طرف مردان نیز کسانی به عنوان دعوت‌کننده فرستاده می‌شوند که به آنان نیز خُندِغ می‌گویند (همان: ۲۱۲).
- [۱۰] رک بران یا همان بردن جهاز و ساخت عروس توسط خانواده داماد به منزل عروس است.
- [۱۱] تراشون یا تراشتین به معنای تراشیدن موی سر و ریش مرد کاربرد دارد (همان: ۱۴۳).
- [۱۲] سر زدن به نوعروس و داماد (همان: ۱۰۹).
- [۱۳] سبز، رنگ سبز (همان: ۳۱۱).
- [۱۴] هنرمندی که در مراسم و شادی‌ها می‌نوازد. لوطی‌ها از گروه‌های آواز خوان و هنرمند جنوب‌اند که در مراسم عروسی، ختنه‌سوران و شادی‌ها موسیقی می‌نوازند (همان: ۴۲۱).
- [۱۵] لوری‌ها (نوازندگان) در این روزها ترانه شاد نازینک، که در وصف عروس است می‌خوانند (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۱).
- [۱۶] معادل تونیک، دُنَبک، ضرب. به نوعی ساز گفته می‌شود (آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۵).
- [۱۷] در مراسم عقد «نی کاح» ترانه شاد «لارو» خوانده می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۳).
- [۱۸] در مراسم عروسی و رقص محلی توسط کسانی که دایره رقص را تشکیل داده‌اند، تکرار می‌شود و با نازینک‌آر (خواننده اصلی) مجلس، همراهی می‌کنند. تکرار ترجیع‌بند شعر حماسی در عروسی‌هاست (آباد، ۱۳۹۳: ۴۲۳).
- [۱۹] رقص و آواز لوطی‌ها (کسانی که ساز و دهل می‌زنند) در مراسم عروسی (همان: ۱۴۹). به این دلیل به آن تماشا بلوچی می‌گویند که این نوع رقص و موسیقی از سیستان و بلوچستان گرفته شده است.
- [۲۰] از آلات موسیقی است که توسط لوطی نواخته می‌شود. بخشی از ساز که در دهن جای می‌گیرد و ساززن در آن فوت می‌کند (همان: ۱۳۷).
- [۲۱] در عروسی‌های منطقه، داماد مسیر منزل عروس را با ساز و آواز و جَمَاز (سوار) بر شتر طی می‌کند. این سوار کاری تنهایی انجام نمی‌گیرد و یک نفر جلودار داماد است که به آن پیشمرد می‌گویند (همو).
- [۲۲] معادل گل منگولی، چند رنگ (همان: ۳۹۲).
- [۲۳] در هنگام استحمام داماد، که به گویش محلی «جان سُور» یا «سرّ آپی برین» گویند- ترانه‌های شادی به نام «هالو» خوانده می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۲). لازم به ذکر است که «سرّ آپی» معادل اصطلاح «سرّ هاوی» در گویش عامیانه شهرستان سیریک است و یکی از عوامل آن را می‌توان اشتراکاتی قومی و قبیله‌ای میان قوم بلوچ و مردم سیریک به شمار آورد.
- [۲۴] نوعی رقص محلی که با تکان دادن شدید و ریزش‌ها (کنک) همراه است. این رقص مختص رقاصان ماهر محلی است. بسیاری از آنان آن چنان می‌رقصند و غرق احساسات می‌شوند که از خود بی‌خود می‌گردند (آباد، ۱۳۹۳: ۲۷۴).
- [۲۵] لَهَر به معنای خانه در گویش سیریک است و در لهری همان درب خانه ایستادن و هدیه گرفتن از داماد خوانده می‌شود (همان: ۴۲۲).

[۲۶] شال سیاه رنگ نازک و توری مانند که موها، از گردن تا سینه زنان را پوشش می دهد، ابعاد آن نسبتاً بزرگ و بیش از دوبرار دور سر پیچیده شده به گونه ای که برقع روی آن بسته می شود (همان: ۱۶۵).

[۲۷] شاد باش، انعام، پولی که در مراسم عروسی محلی به هنرمندان رقص و موسیقی داده می شود. (همان: ۳۰۰).

منابع

- ۱- آباد، علی؛ *اموال ناطق*، تهران: هزار برگ، ۱۳۹۴
- ۲- -----؛ *شتر کشتی صحرا*؛ میناب: نشر نیکای جنوب، ۱۳۹۵
- ۳- -----؛ *شهریچی*؛ تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳
- ۴- ابراهیمی، عبدالرحمن؛ *شهرستان سیریک از منظر تاریخ، فرهنگ و جغرافیا*؛ بندرعباس: نشر رسول، ۱۳۹۰
- ۵- افشار سیستانی، ایرج؛ *بلوچستان و تمدن دیرینه آن*؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱
- ۶- التجائی، ابراهیم، عزیززاده، مینا؛ *بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران یک مطالعه میان استانی*؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵؛ صص ۱۹-۱
- ۷- انزایی نژاد، رضا؛ *بعضی در ادبیات عامیانه*؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۱۵، ۱۳۵۴؛ صص ۳۸۹-۳۶۹
- ۸- انواری، زهرا؛ *آداب و رسوم ازدواج در اقوام ترکمن و عرب خوزستان*؛ فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۶، ۱۳۸۸؛ صص ۵۲-۳۵
- ۹- جاوید، هوشنگ؛ *فرهنگ مردم: نگرش به آیین پیوند*؛ عروس هنر، شماره ۲۶، ۱۳۸۲؛ صص ۴۱-۳۸
- ۱۰- رفیع فر، جلال الدین، کماللو، خدیجه؛ *بررسی آیین حنابندان از دیرباز تا کنون*؛ دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۳؛ صص ۵۳-۲۷
- ۱۱- زومکی جاسکی، خدابخش؛ *فرهنگ مردم جاسک*؛ قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۶
- ۱۲- سعیدی، سهراب؛ *باورها و عقاید مردم هرمزگان*؛ قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۳
- ۱۳- سبیک، ییری؛ *ادبیات فولکلور ایران*؛ ترجمه محمد اخگری، چاپ چهارم، تهران: سروش، ۱۳۹۳
- ۱۴- صبری، حمید؛ *آداب ازدواج در آذرشهر تبریز*؛ فرهنگ مردم ایران، سال، شماره ۵ و ۶، ۱۳۸۳؛ صص ۶۴-۵۵
- ۱۵- قائمی، علی؛ *تشکیل خانواده در اسلام*، تهران: دانش اسلامی، ۱۳۶۵
- ۱۶- کتیرایی، محمود؛ *از خشت تا خشت*؛ تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۸
- ۱۷- لطیفی، عبدالحسین؛ *آداب و احکام ازدواج در دین هندویی*؛ پژوهشنامه ادیان، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۶؛ صص ۱۹۹-۱۶۶
- ۱۸- ماهیگیر، علی؛ *شهرستان سیریک از دیروز تا امروز*؛ قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۴
- ۱۹- ملاحی، حسن، گردآوری. (۱۳۹۰) *تحلیل و بررسی آداب و رسوم محلی شهرستان سیریک*، پایان نامه کارشناسی ارشد، جیرفت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت
- ۲۰- میرصادقی، جمال- میمنت؛ *واژه نامه هنر داستان نویسی*؛ تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۷